

خبر

در آستانه ورود به قله پیک ششم کرونا هستیم

● **شرق:** بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت با اشاره به همه‌گیری کووید ۱۹ در جهان گفت: نزدیک به دو سال است که درگیر کرونا هستیم و در این مدت با فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو بوده‌ایم؛ تا هفت ماه قبل روند واکسیناسیون بسیار کند پیش می‌رفت؛ اما از هفت ماه قبل و با شروع دولت جدید تاکنون، پیشرفت خوبی در این زمینه حاصل شده است. اکنون شش مرکز تولید واکسن با پلنفرم‌های مختلف نیز در کشور داریم که می‌توانند نیاز داخلی‌مان را تا حدودی تأمین کنند. تا امروز، ۱۳۵ میلیون دوز واکسن در کشور توزیع شده است. گروه هدف ما ۶۸ میلیون نفر بوده و تاکنون، ۹۰ درصد این گروه هدف دوز اول، ۸۳ درصد دو دوز و ۳۰ درصد نیز سه دوز را تزریق کرده‌اند. او با بیان اینکه همکاری مردم در زمینه واکسیناسیون بسیار خوب بوده است، خاطرنشان کرد: درحال حاضر در آستانه ورود به قله پیک ششم کرونا هستیم و تخمین می‌زنیم تا دو هفته آینده به قله پیک برسیم. امپکرون انتشار سریعی دارد و در برخی از کشورها مرگ‌ومیر زیادی ایجاد کرده؛ اما در کشور ما به دلیل واکسیناسیون گسترده، آمار بستری و مرگ بسیار پایین است و افرادی که در بیمارستان بستری می‌شوند، عمدتا افرادی هستند که واکسن تزریق نکرده‌اند؛ وگرنه سایر افراد چنانچه مبتلا شوند، بیماری‌شان بسیار خفیف است.

اصطلاح «دانشجوی ستاره‌دار» در شان جامعه علمی نیست

● **ایلنا:** وزیر علوم درباره اقدام وزارت علوم برای دانشجویان ستاره‌دار و بازداشتی گفت: ما هیچ موقع نباید در مواجهه با فرزندان، آینده‌سازان و آینده‌داران خودمان از این نوع اصطلاحات به کار ببریم که در شان جامعه علمی نیست. مجمعه‌علی زلفی‌کل درباره اهمیت دغدغه‌مندشدن جامعه نخبگان به نیازهای کشور گفت: دغدغه‌مندی نخبگان باعث می‌شود که آنها نسبت به موضوعات متعدد مطالعه داشته و با یکدیگر همفکری کنند و راهکار ارائه دهند. حتی برای نخبگان این امکان وجود دارد که به صورت حضوری یا آنلاین و به صورت تضراب آرا با یکدیگر همکاری کنند، مطمئن باشید که خروجی اقدامات کمک‌کننده است. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری افزود: روند کار به این شکل است که معمولا اتاق‌های فکر یا هیئت‌های اندیشه‌ورز، چند صفحه از ایده‌های خود را می‌دهند تا ما مطالعه کنیم و از ایده‌های آنها استفاده کرده و آنها را عملیاتی می‌کنیم. او درباره اقدام وزارت علوم برای دانشجویان ستاره‌دار و بازداشتی گفت: ما سعی می‌کنیم این اصطلاحات را به کار ببریم؛ زیرا اصلا این اصطلاحات در شان جامعه علمی نیست. دانشجویان عزیز همه از اعضای خانواده خودمان هستند، دانشجویان از فرزندان ما هستند. اگر هم مشکلاتی وجود داشته باشد، ما موظف هستیم این مشکلات را برطرف کنیم. ما هیچ موقع نباید در مواجهه با فرزندان، آینده‌سازان و آینده‌داران خودمان از این نوع اصطلاحات به کار ببریم که در شان جامعه علمی نیست. اگر هم مواردی وجود داشته باشد، بنده به‌عنوان وزیر علوم وظیفه دارم مراقب فرزندان خودم در دانشگاه‌ها باشم و سعی کنم این مشکلات را برطرف کنم.

شرایط بیمه دانشجویان اعلام شد

● **باشگاه خبرنگاران جوان:** مدیرکل امور بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی گفت: پرداخت هزینه حق بیمه برعهده دانشجویان است و دولت دو درصد آن را پرداخت می‌کند. سه نوع نرخ حق بیمه برای بیمه دانشجویی تعریف شده که دانشجویان متقاضی می‌توانند یکی از آنها را انتخاب کنند. نرخ پرداخت حق بیمه ۱۴ درصد است که شامل خدمات بازنشستگی و فوت بعد از بازنشستگی است و برای افراد مجرد و فاقد تحت تکفل توصیه می‌شود. نرخ پرداخت حق بیمه ۱۶ درصد است که شامل خدمات بازنشستگی و فوت قبل و بعد از بازنشستگی است و نهایتا کامل‌ترین نرخ پرداخت حق بیمه که ۲۰ درصد بوده و خدمات مربوط به بازنشستگی، فوت و ازکار افتادگی را در بر می‌گیرد.

ادامه از صفحه ۲

چالش‌های سیاست خارجی

۴- چالش دیگر تعیین وضعیت «روابط و تعامل با آمریکا» است. زنده‌یاد هاشمی‌رفسنجانی اصرار زیادی بر حل‌وفصل مشکلات با آمریکا داشت که به نتیجه نرسید. به نظر می‌رسد ضروری است هرچه سریع‌تر برای برون‌رفت از این وضعیت چاره‌ای اندیشیده شود. قصد ورود به جزئیات این مهم را ندارم؛ ولی می‌دانم که این امر مطالبه‌ای فراگیر (اکثر تکویم ملی) در سطح تقریبا تمام اقشار و گروه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور است.

در یک جمع‌بندی کلی به نظر می‌رسد کشور نیازمند تحول بنیادین در رویکردها در سیاست خارجی است. تشنج‌زدایی، تعامل با جهان، توسعه کشور و افزایش سطح رفاه و استانداردهای زندگی مردم با بهره‌مندی از فرصت‌های متنوع و متعدد در راستای منافع ملی مهم‌ترین مؤلفه این تغییر است. در یک پاسخ کلی باید تقابل با جهان به حداقل کاهش یافته و در مقابل تعامل با همه کشورها جایگزین آن شود. مردم و جوانان کشور لایق زندگی بهتر- از وضعی هستند که الان دارند.

نیلوفر حامدی: ۲۰ ماه، یعنی حتی دو سال کامل هم نگذشته است از روزی که افکار عمومی در ایران، پیرو خبری تلخ به‌شدت جریحه‌دار شده بود. خبر یک خطی بود و تلخ اما تا هفته‌ها رسانه‌ها و روان جامعه را تحت تأثیر خودش قرار داده بود. آن هم در این زمانه پریهایویی که تاریخ انقضای اخبار کوتاه‌تر از همیشه شده است و هر چند دقیقه، انفجاری جدید، توجهات را از سوژه قبلی دور می‌کند. خبر این بود که دختری که هنوز ۱۴ سالش تمام نشده بود، به دست پدرش به قتل رسیده بود. آلت قتل که یک داس کشاورزی بود، شدت تلخی و دهشتناکی حادثه را قوت می‌بخشید. ماه‌ها گذشت. فعالان اجتماعی و حقوق‌دانان از اهمیت این خبر و لزوم توجه سیستم قضائی برای برخوردی بازدارنده گفتند و رسانه‌ها هم نوششتند. پرونده‌های قدیمی زن‌کشی دوباره از عمق اخبار قدیمی به سطح رسید و ادبیات مرتبط با آن بازتولید می‌شد. چند هفته بعد لایحه حمایت از حقوق کودک و نوجوان پس از گذشت ۲۰ سال بالاخره تبدیل به قانون شد. قانونی که بسیاری آن را خون‌بهای رومینا نامیدند. معاونت زنان و خانواده دولت روحانی طرح تشدید مجازات پدر مرتکب قتل فرزند را مطرح کرد که البته به جایی نرسید. همه این صداها اما در دادگاهی که پدر رومینا را محاکمه می‌کردند اثری نداشت، چراکه مجازات تکمیلی برای او در نظر گرفته نشد که هیچ، حتی نهایت سال‌های حبس را هم نگرفت. ۲۰ ماه پس از آن حادثه، دوباره دختری که تنها ۱۷ سال داشت و از قضا مادر یک کودک سه‌ساله هم بود، توسط همسرش سر بریده شد و قاتل، مفتخرانه سر قربانی خود را در شهر چرخاند.

نگاهی به زن‌کشی‌های رخ‌داده در سال‌های اخیر، چه آنها که به شکل اخبار رسمی درآمدند و رسانه‌ای شدند و چه آنها که تنها در کنج قلب‌های قربانیانشان باقی ماندند، مختص یک طبقه خاص نیست. از گیلان تا خوزستان از سندنج تا ارومیه، جای‌جای این کشور قربانی زن‌کشی شده است و همین مهم هم نشان می‌دهد که ما با بحرانی جدی‌تر از یک ضدفرهنگ یا تعصب قبیله‌ای- مذهبی روبه‌رو هستیم. همین هم اهمیت ورود قانون را گوشزد می‌کند. ابراهیم نیکدل‌قدم، وکیل پرونده رومینا اشرفی، در گفت‌وگو با «شرق» از اهمیت بازنگری در قانون می‌گوید. از اینکه قانون به‌هیچ‌عنوان بازدارندگی در مقابل زن‌کشی ایجاد نکرده است و اگر با همین دست‌فرمان جلو برویم، تکرار حوادث تلخی شبیه به کشته‌شدن رومینا و



منا، به‌هیچ‌وجه دور از تصور نیست.

این وکیل دادگستری از لزوم تطبیق قوانین فعلی با شرایط روز می‌گوید: «بارها و بارها گفتیم که قوانین ما در حوزه تقابل با این جرائم بازدارنده نیست. قوانین نیاز دارند که به‌روز شوند و مبتنی بر عرف حاکم بر جامعه باشند تا در شرایطی که فجایع تلخی رخ می‌دهد، امکان تقابل با آنها و کاهش آمار آنها توسط قانون و البته به مرور زمان ممکن باشد. قوانینی که ما داریم نیاز دارند که با شرایط فعلی و این روزگار هم تطبیق داده شوند. در آن صورت است که می‌توانیم از قانون و ابعاد متعدد آن در مبارزه با بزهکاری و جرم در جامعه استفاده کنیم».

او با مقایسه پرونده رومینا و آخرین زن‌کشی رخ‌داده در کشور عنوان می‌کند: «ماجرای قتل رومینا اشرفی تا هفته‌ها تیت‌ر اول رسانه‌ها بود. مردم به شدت آزرده‌خاطر شده بودند. بسیاری دچار وحشت شده بودند و اساسا فضای جامعه به‌طور جدی تحت تأثیر این فاجعه بود. همین هم باعث شد ما انتظار داشته باشیم که دادگاه به شکل دیگری با این پرونده روبه‌رو نشود. با توجه به حدت و شدت آن و تأثیر بالایی که بر افکار عمومی داشت و احساسات مذهبی روبه‌رو هستیم. همین هم اهمیت ورود قانون را گوشزد می‌کند. ابراهیم نیکدل‌قدم، وکیل پرونده رومینا اشرفی، در گفت‌وگو با «شرق» از اهمیت بازنگری در قانون می‌گوید. از اینکه قانون به‌هیچ‌عنوان بازدارندگی در مقابل زن‌کشی ایجاد نکرده است و اگر با همین دست‌فرمان جلو برویم، تکرار حوادث تلخی شبیه به کشته‌شدن رومینا و

جامعه

وکیل پرونده رومینا اشرفی در گفت‌وگو با «شرق»:

قوانین ایران در مقابل زن‌کشی بازدارنده نیست



مدتی اقامت اجباری در محل دیگری (تبعید) داشته باشد از هم نپذیرفتند. با اینکه مادر رومینا به شدت ואهمه امنیت برای خودش و پسرش را داشت و بارها هم این نگرانی در دادگاه مطرح شد، ولی هیچ نتیجه‌ای نگرفتیم. چرا؟ چون از اساسی قانون مشکلاتی در این زمینه وجود دارد. بعد می‌بینیم که با یک پرونده و قتل فجیع به‌درستی و آن چنان که باید بازدارنده باشد برخورد نکردند و نتیجه آن شد که کمتر از دو سال بعد، شاهد یک اتفاق تلخ‌تر هستیم و یک جان دیگر هم تلف شد. دختری که اتفاقا تنها چند سال از رومینا بزرگ‌تر بود اما در نهایت هر دو اینها کودک هستند».

نیکدل‌قدم ادامه می‌دهد: «تا قبل از اینکه تطبیق‌ها را انجام ندهیم، دست قانون‌گذار هم بسته خواهد بود. قاضی نمی‌تواند فراتر از آنچه برایش تعیین شده حکمی بدهد. در پرونده رومینا اشرفی هم ما با همین موضوع روبه‌رو بودیم. اینکه موضوع ولایت پدر جای مجازات تکمیلی را به ما نمی‌داد و خب قاضی هم برای پیگیری بیشتر در این زمینه همکاری نکرد. این در حالی است که در دولت حسن روحانی، معاونت زنان و خانواده می‌خواست طرحی را تصویب کند که طی آن مجازات پدر در صورت ارتکاب به قتل تشدید شود اما این طرح هم به جایی نرسید. اگرچه فراتر از این طرح‌ها ما نیازمند رصد مجدد قانون هستیم».

اهمیت جرم‌شناسی همان حلقه مفقوده در مواجهه قانونی با این جرائم است: «نکته مهمی که باید در مقابله با این اتفاقات در سطح جامعه به آن توجه کرد این است که برخی اتفاقات صرفا

جنبه حقوق کیفری و جزا دارند. جرمی رخ داده و فرد خاخی هم باید به اندازه جرمی که مرتکب شده حکمی هم از سوی دادگاه دریافت کند. اما جرم‌شناسی و تحلیل جرم‌شناسانه و به‌روزکردن مباحث کیفری معنای دیگری می‌دهد. اینجا دیگر جامعه، مردم و احساسات جریحه‌دارشده آنها اهمیت پیدا می‌کند. اینکه یک جرم از لحاظ اجتماعی و فرهنگی چه تأثیری بر محیط پیرامونی خود می‌گذارد و چگونه بر مردم اثر می‌گذارد، مهم می‌شود. در همین مورد قتل جدید، اتفاقی که رخ داده این است که فقط یک جان گرفته نشده است، بلکه از همان روز که ویدئو پخش شد تا مدت‌ها، تأثیر این اتفاق هولناک بر مردم جامعه، خانواده‌ها، کودکان و بزرگسالان خواهد ماند. ما همواره از سوی حاکمیت می‌شنویم که مفهوم خانواده را تقدیس می‌کند اما چطور می‌شود همین حاکمیت متوجه نباشد که چنین اتفاقی چطور می‌تواند روی خانواده‌ها و آرامش روان آنها اثر بگذارد؟».

او در پاسخ به اینکه در صورت تمایل تصمیم‌گیرندگان امر برای ایجاد تغییرات، موتور اصلی ابتدا باید از کجا روشن شود می‌گوید: «در وهله اول باید سراغ قانون برویم. شاید پیش‌تر می‌گفتیم با طرح و لایحه هم می‌شود حرف زد اما الان دیگر فرصتی برای این کارها نمانده است. اینکه متنی نوشته شود و بعد از مدت‌های طولانی به مجلس برسد و در نهایت مثلا از سوی شورای نگهبان رد شود. حالا دیگر باید به اهمیت جان انسان‌ها بیشتر وقع نهاده شود و مسئولان هوشیار باشند که خانواده‌ها در طول سال با همین اتفاقات پری می‌شوند و جز با قانون جدی نمی‌توان مقابل این وقایع هولناک ایستاد. اصول قانون اساسی باید در بخش کیفری مورد بازنگری واقع شود. همه هم به خوبی می‌دانند که فقه پویا امکان ایجاد تغییرات را به ما داده است. فقط نیازمند چند متخصص هستیم تا با دغدغه‌مندی نسبت به این بحران جدی در جامعه به فکر باشند و دست به تغییرات بزنند. مگر همین زن‌ای محصنه نبود که فقه رای به سنسار می‌داد؟ بعد از چند سال به این نتیجه رسیدند اعدام را جایگزینش کنند. اگرچه در ظاهر بازمی‌گفت که این بین می‌رود اما خواستند که دست‌کم از شدت آن بکاهند. همین اتفاق هم رخ داد. نکته این کار در این بود که خود آقایان به این نتیجه رسیدند که باید در این زمینه تغییر اعمال کنند و کردند. پس درباره قتل‌های منتسب به ناموس می‌توان دست به چنین اقدامی زد.

دریچه

فرودگاه

آینه تمام‌نمای یک کشور است

● **روح‌اله صفری:** کافی است شما از کشوری دیگر، نمی‌گوییم نیویورک یا لندن، همین کشورهای مسلمان همسایه وارد فرودگاه امام خمینی شوید تا عمق شلختگی، چیدمان نامناسب و عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی دستتان بیاید. من به اتفاق تعداد دیگری از مسافران داخلی و خارجی و چند نفر پیرمرد و پیرزن کم‌توان، از دویی وارد فرودگاه امام خمینی که عنوان شهر فرودگاه را با خود یک می‌کشد، می‌شویم. دقیق‌تر می‌گویم که اگر گوش شنوایی هست، این روند معیوب را پیگیری کند. با پرواز ماهان ایر شماره ۳۱۰ ساعت ۱۲.۳۰ روز چهارشنبه ۱۳ بهمن وارد فرودگاه می‌شویم. داخل فرودگاه دویی آن چند نفر پیرمرد و پیرزن را که وزن بالایی هم دارند، تحت نظر دارم. با نهایت احترام یک نفر با ویلچر آنها را از همه صفا‌ها رد می‌کند و می‌رساند پای پرواز. پرواز ماهان حدود ساعت ۱۵ به زمین می‌نشیند. از پله‌های اتصال به هواپیمای که خبری نیست. انتظاری هم نیست. راننده اتوبوس با نهایت سرعت و بی‌حوصلگی ما را به نهایی‌ترین نقطه ورودی سالن تشریفات می‌برد. آنجا هم نه از پله‌برقی خبری هست و نه آسانسور. با چند جوان دیگر، آن چند نفر مسن را که حداقل ورزشان بالای ۱۲۰ کیلو است، با هر بدبختی که شده از بیش از ۲۰ پله فلزی زنگ‌زده بالا می‌آوریم. از ابتدای تونل تا رسیدن به کیت چکاپ وزارت بهداشت، حداقل هزار متر است. تسمه‌های برقی خاموش است و کل مسیر آدم‌های کم‌توان پرواز، ما، عصاب‌زان و با بدبختی خودشان را به نقطه خروج می‌رسانند. نه از ویلچر خبری هست و نه توضیحی که چرا تسمه‌های ریلی انتقال مسافر خاموش است. چهار، پنج نفر نماینده وزارت بهداشت نشسته‌اند و کاغذها یا فایل‌های PCR را مهر می‌کنند. وارد یک سالن تاریک و رنگ‌ورورفته که مأموران نیروی انتظامی در آن مستقر هستند، می‌شویم. از پله‌ها پایین می‌رویم و در یک آکواریم شلخته چمدان‌ها را تحویل می‌گیریم. ملتی پشت یک دستگاه گمرک صف می‌کشند و در نهایت بی‌نظمی از کیت کنترل گمرک رد می‌شویم. هاج‌وواج همسفر عمانی سرخام ما می‌آید و متوجه نمی‌شود این آدم‌ها که دورش ریخته‌اند چه می‌گویند. به‌شدت مضطرب شده و ترسیده است. توضیح می‌دهم که تکران نباشد، اینها رانندگان تاکسی هستند و نیتشان خیر است! دقیقا مثل دهه ۶۰ تریمبال جنوب، رانندگان تاکسیی در حال شکار مسافر هستند. می‌روم دفتر مدیریت فرودگاه و از این وضعیت گلایه می‌کنم. زمین و زمان را به هم می‌بافند و توجیه می‌کنند. کلافه می‌شوم و ترجیح می‌دهم بیایم خانه و چند خطی بنویسم. من و بسیاری از دیگر شهروندان این کشور، انتظار فرودگاه پاریس و پکن را نداریم؛ حتی انتظار همین دویی و استانبول را هم نداریم؛ همین یک تکه سالن موجود را خواهشای یک بازرطاحی کنید. این دکوراسیون شلخته را کمی مرتب کنید، برای آدم‌های کم‌توان در پروازها برنامه داشته باشید. همین امکانات محدود موجود را هم می‌شود بهتر از این اداره کرد؛ کمی خلاقت می‌خواهد و مدیریت و مسئولیت‌پذیری. ورودی یک فرودگاه، آینه تمام‌نمای یک کشور است، آن‌هم به قول خودتان «شهر فرودگاه». همین سالن حقیرانه موجود را کمی نظم بدهید، ما راضی هستیم و خوشحال؛ پکن و پاریس پیشکش!

ادامه از صفحه اول

چرا روابط عمومی ایرانی؟

بر این باورم که در گذار از سپهر رعیت به شهروندی، روابط‌عمومی به‌عنوان یک نظام ارتباطی چه در ساختارهای سیاسی و چه در ساختارهای تولیدی و خدماتی، عامل اقبال شهروندان را طریق گفت‌وگو، ایجاد و تقویت شفافیت اطلاعاتی و نظری پایبندی به مسئولیت اجتماعی در ساختارها می‌شود. اگر بخوایم نظام روابط عمومی در ایران را در چارچوب این فلسفه وجودی شهروندی تحلیل کنیم، باید گفت که هنوز ساختار سیاسی و سازمانی ایرانی مفهوم شهروندی را نپذیرفته است. وقتی ساختاری، مفهوم شهروندی را نمی‌پذیرد وارد فرایند اقبال و تفاهم از طریق گفت‌وگو و ایجاد شفافیت ارتباطی نمی‌شود و در برابر جامعه، نسل کنونی و آینده‌اش هم احساس مسئولیت نمی‌کند. وقتی که در ایران فلسفه وجودی یک موجود به نام روابط‌عمومی در ساختار و سازمان درک نمی‌شود، نگاه به جامعه نیز رعیت‌محور می‌شود. ارزش اقبال و گفت‌وگو و شفافیت کاهش پیدا می‌کند. ارتباطات یک‌سویه و بازاریابی و اطلاع‌رسانی ارزش و قرب می‌یابد. وضع امروز «روابط‌عمومی ایرانی» برآیند بیش ساختارهای به جامعه است. روابط‌عمومی ایرانی به دانش و تکنیک و مهارت مسلط است اما ساختار اجازه نقش آفرینی نمی‌دهد. روابط‌عمومی ایرانی امروزه با فلسفه واقعی خود فاصله دارد هرچند مجهز به فناوری و دانش است.

♦ **استادیار ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**

جیمز کوران . ترجمه: سحر طلوعی



دست بالا با آنها و رسانه‌های‌شان است. در واقع این روزنامه‌نگاران هستند که تعیین می‌کنند چه چیزی گزارش و منتشر شود. در روش چهارم دولت از فناوری‌های محدود و مسدودکننده برای مدیریت رسانه سود می‌برد. این روش در برخورد با رسانه‌های اینترنتی کاربرد دارد. مثلا دولت چین به طور کل هرگونه راه دسترسی به شبکه اجتماعی فیس‌بوک را در این کشور مسدود کرده است. چین همچنین در فیلترکردن کلمات کلیدی در محتواهای اینترنتی هم سرآمد است؛ مثلا برخی از نوشته‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی به محض تشخیص سیستم فیلتر خودبه‌خود حذف می‌شوند. نوشته‌های حذف‌شده، اغلب پست‌های انتقادی علیه دولت هستند. دولت چین دستی هم در هک سیستم‌ها دارد. نهادهای مسئول با ارسال نامه‌های الکترونیک به منابع خبری مشکوک، در آنها اختلال ایجاد می‌کنند و به هدف‌شان می‌رسند. قطع‌کردن اینترنت هم البته راهکار دیگری است که دولت‌ها در مواقع خاص به صورت مقطعی، محلی یا سراسری استفاده می‌کنند.

در روش پنجم کنترلی، این روزنامه‌نگارها هستند که هدف ارعاب و محدودیت‌های غیررسمی قرار می‌گیرند؛ مثلا به صورت آنلاین یا تماس تلفنی پیام‌های هشدارآمیز و تهدیدکننده دریافت می‌کنند. خودروهای آنها به سرقت می‌رود و... خبرنگاران در روسیه و مکزیک تجربیات فراوانی از این برخوردها دارند.

مخالفت مداوم و جمعی می‌تواند روش‌های محدودکننده و سرکوبگر را ضعیف و ناکارآمد کند. در